



بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشگاه مطالعات اسلامی در علوم انسانی

سلسله کارگاه های طرح اختصاصی اساتید علوم انسانی (کارگاه شماره ۳)

نام کارگاه: آشنایی با روش ها و رویکردهای تفسیر قرآن با تأکید بر مهم‌ترین تفاسیر معاصر

استاد مدعو کارگاه: حجت الاسلام دکتر عبدالهادی سعودی

تاریخ برگزاری: ۲۸ فروردین ۱۴۰۰

بسمه تعالی

دکتر مسعودی: بسم الله الرحمن الرحيم . عرض سلام و احترام خدمت همه اساتید محترم و شرکت کننده در این کارگاه. به طور کلی ما در ساختار این بخشی که تدوین کردیم امشب در مورد مفهوم روش و رویکرد گرایشگر تخصصی صحبت می کنیم و جلسه بعد را در مورد روشی که می تواند به عنوان روش معیار برای فهم قرآن مورد عمل قرار بگیرد صحبت می کنیم . ما در این کارگاه به طور کلی روش های تفسیر قرآن چه در گذشته و دوره معاصر و ما یک روش معیار در دست داشته باشیم را هدف قرار داده ایم در این کارگاه . در قسمت اول ما اول روش را تعریف می کنیم ، تفسیر هم لازم است اما به گمان بنده تفسیر را همه عزیزان می دانند یعنی چه . تفسیر یعنی شما می خواهید معنای آیات قرآن را در بیاورد . تفسیر یعنی شما می خواهید به مفهومی که خداوند از این آیات اراده کرده است برسید . اما روش چیست ؟ روش در واقع چگونگی طی کردم مسیر در فهم قرآن را روش می گوئیم . سوال اینجاست که اگر قرآن یک مبحث و اگر قرآن بدون تحریف باقی مانده است چرا ما باید روش های متعدد داشته باشیم ؟ اگر قرآن واحد النزله من واحد است پس باید روش فهمش هم واحد باشد چرا ما شاهد روش های مختلف هستیم ؟ چه چیزی مایع تفاوت روش ها در تفسیر قرآن می شود ؟ چه پارامتری تعیین می کند ؟ جواب این سوالات به صورت عمده به این شکل است که تفاوت روش ها به تفاوت منبع مورد استفاده برمی گردد یعنی مفسران بر پایه منبعی که انتخاب می کنند تا بر پایگاه آن منبع خودشان را به مقصود حقیقی نزدیک کنند بر اثر تفاوت این منبع راه و روششان متفاوت است . در واقع اگر ما گفتیم ۵ روش تفسیری یا ۷ روش تفسیری داریم یعنی ۵ منبع تفسیر و ۷ منبع تفسیر داریم . بر این پایه روش های بسیار متداول تفسیر را می توانیم به این شکل بگیریم : برخی در تفسیر می گویند فقط روایات اهل بیت (ع) حجیت دارد . گروه دومی قائل اند که در کنار روایات خود قرآن هم باید دیده شود . گروه سوم می گویند عقل منشا اصلی را دارد . یک سری معتقدند عقل در کنار قرآن و روایات است برخی می

گویند به طور مستقل. برخی پای علوم تجربی یا انسانی و یا هر دو می روند و تفسیر قرآن را باز می کنند و برخی معتقدند که ما باید از پایگاه کشف شهود به تفسیر قرآن بپردازیم.

بر اساس این ها ما می توانیم منابع را در وحی و عقل علوم تجربی و شهود خلاصه کنیم. زمانیکه می گوییم وحی یعنی خود آیات قرآن که به کمک فهم و تفسیر یک آیه می آیند و آنچه که از وحی منشا گرفته. ما طبق باورهای کلامی مسلمانان پیامبر از روی هوا و هوس صحبت نمی کنند سر منشا سخنان پیامبر هم وحی الهی است و در روایات و باورهای کلامی داریم که اهل بیت هم منشا علمیشان پیامبر است. پس ما می توانیم یک منشا را در تفسیر قرآن خود وحی بدانیم. پس یک منبع در تفسیر قرآن می توانیم بگوییم وحی و قرآن و حدیث، منبع دوم عقل، منبع سوم علوم تجربی، منبع چهارم شهود قلبی است.

بر اساس آن گزاره اولیه که گفتیم که مایع تفاوت روش ها مبنعشان است و ما منابع را در این ۴ دسته خلاصه کردیم می توانیم روش قرآن را هم ۴ دسته بگوییم. منتهی چون وحی تقسیم می شود به قرآن و سنت می توانیم از این جنبه ۵ روش بگوییم. اما سوال این است که آیا روش ششمی هم وجود دارد؟ خلاصه سوال من این است:

ما به طور کل بر اساس منبع ۵ روش خواهیم داشت:

تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به سنت

تفسیر قرآن به عقل

تفسیر قرآن به علم

تفسیر قرآن به شهود

اما یک روش ششمی هم شاهد هستیم که اتفاقاً در تفاسیر معاصر بیشتر است. "تفسیر ترکیبی" در سنت تفسیر به تفسیر ترکیبی گفتند تفسیر اجتهادی و جامع. یک اسم گذاری است. تفسیر جامع معنای اصلی اش یعنی شما از همه منابع تفسیری و آیات دیگر و علم های جدید استفاده کنید. پس ما ۶ روش تفسیری داریم.

نکته: ما هیچ مفسری نداریم که هر یک از این روش ها را که انتخاب کرده تمامی آیات قرآن را مو به مو با همان روش پیموده باشد، حداقل اثبات نشده است به ما که همچین مفسری داشته باشیم بلکه مقصور از روش هاس مفسران این است که در قالب تفاسیر و در قالب آیاتی که آنها را تفسیر کرده است این روش را بکار برده است.

آقای (۲۱:۴۰): بسم الله الرحمن الرحيم. من یک سوال دارم. در مقدمات کتاب های تفسیری مطرح است که رویکرد یا عبارت عربی و خیلی از بزرگان سعی کردند یک وجه تمایزی میان اصطلاحات عربی بیان کنند اما ببینید مفسر در واقع ۲ کار دارد: یک اینکه آن ابزار و منابعی که از آنها استفاده می کند برای تفسیر قرآن کریم یعنی به چه منابع و عناصری دست می یابد و اینکه به کمک آنها قرآن کریم را تفسیر کند.

یک اصطلاح دیگر که همان رویکرد است به معنای اینکه مفسر قرآن کردیم ضمن اینکه هدف های متعددی دارد اما متمرکز بر یک هدف مهمتری است برای مثال می خواهد بحث های اجتماعی قرآن را استخراج کند

دکتر مسعودی: سوال شما دارد از حالت سوال خارج می شود و می رود به مباحث بعدی ما. شما باید سوالتان را خلاصه کنید راجب مباحث قبلی.

آقای؟ : من عرضم این است این اصطلاحات گوناگونی که درباره تفسیر وجود دارد مانند مکتب ، روش ، رویکرد ، مذهب و ... آیا این ها یک مرز مندی دقیقی بینشان است یا خیر فقط دو اصطلاح است یکی روش ها و یکی رویکرد ها ؟

دکتر مسعودی : ما یک نوشته ای داریم از آقای محمد کاظم شاکر استاد دانشگاه قم و در حال حاضر استاد دانشگاه علامه طباطبائی به نام هرمونولوژی مبانی و روش های تفسیر .ایشان در آنجا این ها را کاملا تعریف کرده است ولی از آنجایی که به طور کل روش شناسی تفسیر یک علم نو پدید است یعنی از معرفت های درجه دو است ، ما باید تفاسیر صورت گرفته را بیایم طبقه بندی کنیم و بعد بیایم روش های آنها را در بیاوریم هنوز ما یک اتفاق کامل بر اینها نداریم .بویژه اینکه زبان فارسی و عربی هم در اینجا مخلوط شده است .در حا حاضر حدود یک دهه است که دارند یک تعریف های ساده ای می گیرند . ما یک مبادی داریم ، یک مبانی داریم ، یک روش داریم ، یک منابع داریم و یک آسیب شناسی داریم . به طور ریز این ها را بنده در کتاب تفسیر روایی جامع تعریف کرده ام . اما هر کسی می تواند تعریف های متعددی را ارائه دهد .اما در مورد اینکه روش وابسته به منبع است تقریبا اتفاق نظر وجود دارد .روش یعنی چگونگی و روند شناخت معنای قرآن و کشف مقصود الهی با استفاده از ابزار ها و منابع مرتبط . اما مفسر در یک ارتباط ۳ گانه به سر می برد . یعنی مفسر مانند نویسنده رمان اندیشه های خودش را بر زبان می آورد تا به ذهن خواننده منتقل کند . مفسر رابطه ی ۳ گانه با خواننده از یک سو و با خدا از سوی دیگر دارد . به عبارت دیگر اگر ما از الگوی حیات یعنی فرستنده و محتوای پیام و گیرنده استفاده کنیم ، مفسر در حکم واسطه ی بین فرستنده و گیرنده عمل می کند که باید یک رابطه ی ۳ سویه را حفظ کند . به همین دلیل در قسمت رابطه ی نخست یعنی دریافت مقصود الهی نیازمند روش هستیم .قواعد ادبی این ها جزئی از این روش باید استفاده شود .

پس روشی که استفاده می کند برای فهم مقصود الهی رابطه ی مفسر را با خداوند می سازد ، اما مفسر این سو هم دارد ؛ برای چه مخاطبی تفسیر می کند و برای چه برای او تفسیر می کند ؟

پس ما یک روش داریم ، یک رویکرد . حال در تلفیق این روش ها و گرایش ها ما تقسیم بندی های دیگری داریم . تفسیر های گاهی اوقات بر اساس شکلشان طبقه بندی می شوند . ما می گوئیم تفسیر ترکیبی ، تفسیر موضوعی یعنی بر اساس شکل و مقصوده انتخابی برای تفسیر . به عبارت دیگر این تقسیم در تقسیم های ۶ گانه روش ضرب می شود یعنی شما می توانید تفسیر ترکیبی و حیانی داشته باشید ، تفسیر ترکیبی شهودی داشته باشید و ..

تفسیر ترتیبی چه تفسیری است ؟ تفسیری است که شما آیات قرآن را حال یا به ترتیب مصحف موجود یعنی تفسیری که اکنون نوشته شده و ما می خواهیم یک به یک تفسیر کنید و جلو بروید . به عبارت دیگر راهبرد مفسر در تفسیر ترتیبی خود آیات هستند . در تفسیر ترتیبی باز ۲ جز داریم : تفسیر ساده - تفسیر تطبیقی یا مقارن داریم . تفسیر تطبیقی به طور خلاصه همان تفسیر های سنتی از قواعد ادبی . تفسیر تطبیقی یعنی مقارنه بیاندازید بین دو منبع معرفتی . تفسیر های تطبیقی در آغاز راه هستند و تفاسیر سنتی پر دامنه و پر عمقی نیستند .

در تفسیر محیط (۲۶:۳۳) که من فکر می کنم مقصود از این کارگاه ها بیشتر این باشد و ه درد امروز ما می خورد و رویکرد های معاصر تفسیر هم بیشتر در عرصه تفسیر موضوعی کارآمد هستند به دو نوع تفسیر موضوع محور و مسئله محور قابل تقسیم اند .

منظور ما در تفسیر موضوعی این است که یک دفعه ما تقوا در قرآن کار می کنیم ، یک دفعه در مورد زهد کار می کنیم می خواهیم ببینیم برآیند مجموعه گزاره های شناختی قرآن درباره زهد چیست ؟ اما در تفسیر های موضوعی مسئله محور ما یک سوال از قرآن داریم ممکن است این سوال هیچ کلید واژه ای در قرآن نداشته باشد . فرض بفرمایید در مورد حقوق بشر ، در مورد ولایت و تسلط و سیطره غیر مسلمان بر مسلمان در مکان هایی که اکثرا غیر مسلمان هستند . یا به

عنوان مثال نظر قرآن در مورد ارزش بیشتر کار یا سرمایه . پس فکر می کنم مقصود کارگاه شما همین باشد که ما توانایی این را پیدا کنیم که سوالی را که داریم با قرآن در میان بگذاریم و ببینیم قرآن کریم به ما چه جوابی می دهد لذا این تفسیر موضوعی برای ما بسیار کارآمد است . یکی از اولین کسانی که راجب تفسیر موضوعی تحقیق کرده و فرآورده دارد مرحوم شهید صدر است . ایشان هم قواعدی را برای تفسیر موضوعی نوشته اند و هم بعد از آن یک کتاب در مورد سنت های اجتماعی در قرآن نوشتند .

من چند مورد تفسیر موضوعی هم نام میبرم . عرضم از این جهت است که تمرکز روی تفسیر موضوعی به این جهت است که من فکر میکنم آنچه را در مسئله علوم انسانی ما نیاز داریم همین نگاه تفسیر موضوعی است .

پیام قرآن از آیت ... مکارم شیرازی

منشور جاوید قرآن از آیت ... صبحانی

تفسیر موضوعی قرآن از آیت ... جوادی آملی

در میان عرب های شهدی محمد باقر صدر هستند .

ببینید رویکرد ها و گرایش ها با دو مولفه در ارتباط است :

۱- تخصص مفسر

۲- نیاز مخاطب

بر می گردم به جمله قبلی : مفسر در یک رابطه ۳ گانه به سر می برد . رابطه با خداوند به عنوان پدیدآورنده متن ، رابطه با مخاطب به عنوان استفاده کننده متن ، رابطه با موضوع و محتوای متن

ما هیچ گاه نمی توانیم مفسر را از تخصص ها و مهارت هایشان جدا کنیم. من می توانم در یک چیزی تخصص داشته باشم ولی به چیز دیگری علاقمند باشم برای مثال در یک حیطة شعر سهراب سپهری تخصصش شعر است ولی علاقمندی اش نقاشی است لذا در نقاشی هم کارهای خوبی دارد. ما در اینجا علاقمندی و تخصص مفسر را یک مولفه در کنار هم حساب می کنیم ، نیازهای مخاطب را یک مولفه اثر گذار جدا حساب می کنیم . به این معنا که اگر من مفسر تخصص ادبی داشتم می آیم نیازهای مخاطبینی را برطرف می کنم که نکات ادبی قرآن برایشان مبهم است . اگر من مفسر تخصص فلسفی داشتم می آیم نیازهای مخاطبی را برطرف می کنم که نکات فلسفی آیات برایشان جذاب است . اگر من متخصص علوم تربیتی و مومن و معتقدی در قرآن هستم اگر دست ببرم در تفسیر ، تفسیر من یک تفسیر تربیتی خواهد شد . یک تفسیری با گرایش تربیتی با رویکرد تربیتی . پس رویکرد ها بر اساس تخصص و نیاز مخاطب شکل می گیرد .

آقای دکتر افخمی : سوال من این است آیا تفاسیری داریم با رویکرد تاریخی انجام شود ؟

دکتر مسعودی : ما چنین تفسیری که ذیل تاریخ باشد نداریم . اما اکثر تفاسیر روایی کهن ما مشتمل بر مباحث تاریخی فراوانی هستند . برای مثال تفسیر طبری در اهل سنت و تا حدودی تفسیر مجمع البیان مباحث تاریخی مرتبط با آیات را دارند .

" در مورد ویژگی های تفاسیر معاصر قرآن "

نکته : به طور کلی تفاسیر سنتی و تفاسیر بسیار قدیم ما یعنی تفاسیر قرن ۳ یا ۴ یا ۵ مفسر خودش را در جایگاه مترجم قرآن می دیده است . از این تعبیر من این برداشت نشود که ما می خواهیم ارزش و جایگاه تفسیری را بکاهیم خیر اینطور نیست ؛ بلکه مفسر قرآن در دوره گذشته خودش را سخنگوی خداوند می دانسته و مردم همچنین تلقی از مفسر داشتند یعنی مفسر در مقام تفسیر گویی سخن خداوند را یک مرحله دیگر فروتر می آورد و برای مخاطبان مفهوم و قابل فهم بیان می شد . اگرچه حقیقت واقعی قرآن تنزیل پیدا کرده است اما مفسر دوره

گذشته یک مرحله دیگر آنرا عرفی سازی می کرد و عرف هم تلقی اش این بود کلام مفسر مساوی با کلام الهی است . مفسر دارد سخن خدا را به من می گوید به همین دلیل قدسیت کلام الهی راه پیدا کرد به قدسیت تفسیر مفسران . یعنی همانطور که متن قرآن کریم متن قدسی الهی تحریف ناپذیر است تا حدودی تفاسیر مفسران قدیم هم همین حرمت و ارزش گذاری را از سوی عرف مخاطبان دارد . به همین دلیل عرف مخاطبان و خوانندگان از تفسیر در دوره ها کهن انتظار داشتند مفسر فرآیند پژوهش خودش را ارائه دهد . به عبارت دیگر مفسر آنچه را به مخاطب می گفت نیاز به استدلال در آن نمی دید به همین دلیل مفسر در مقام ترجمه مقصود الهی بود برای مخاطب .

در دوره معاصر ما انتظار داریم مفسر مانند یک محقق روند و فرآیند خودش را در اختیار ما بگذارد ، ما خودمان فرآیند را از نزدیک ناظر باشیم تا در مورد نتیجه تفسیری مفسر قضاوت کنیم . به عبارت دیگر شان مفسر کهن شان قاضی دادگاه بود . بین خود و خدایش باید رعایت می کرد . اما امروز مفسر نقش کاوشگر در آزمایشگاه را دارد . کاوشگر آزمایشگاه یا مشاهده گر میدانی باید بگوید من ۱۵۰۰ مورد مصاحبه داشته ام اینها نتیجه من هستند . مفسر امروز باید روش خودش را در اختیار مخاطب بگذارد حتی در برخی موارد فرآیند عملی مورد پژوهش خودش را نشان دهد تا مقبول شود . بر این اساس ویژگی های تفاسیر معاصر قرآن ما می توانیم خلاصه کنیم . در ویژگی های تفاسیر معاصر قرآن ما پاسخگویی به شبهه را زیاد می بینیم یعنی یکی از رسالت های مفسران معاصر رفع شبهه ها است . پس تفاسیر معاصر خودشان را متعهد می دانند به پاسخگویی و نیاز های امروزی را رفع می کنند .

رویکرد دوم تفاسیر معاصر توجه به دو بعد هدایتی و اجتماعی قرآن است . اگر نگاه کنید تفاسیر کهن گذشته را می بینید آنها در مقام بیان مقصود الهی هستند اما در در حال حاضر در دنیای معاصر

جوان را چگونه باید با این ایه هدایت کرد؟ جامعه را چگونه هدایت کنم؟ به همین دلیل بعد اجتماعی قرآن هم توجه بیشتری شد.

چگونه می شود یک جامعه و تمدنی رو به افول برود؟ افول تمدنی به چه شکلی شروع می شود؟ اینها در تفاسیر معاصر مورد تحقیق است.

ویژگی دیگر مهم تفاسیر معاصر جامعیت آنهاست. اکثر تفاسیر گذشته یک روشی هستند. برای مثال تفسیر طبری ۳۰ جز است یعنی هر جز قرآن را در یک جلد کامل آورده است ولی مهمترین منبعی که استفاده می کند روایت است حتی نکات ادبی هم کم دارد. همینطور در تفسیر های عرفانی ردپای فلسفه را نمی توانید بیابید تماش شهود و کشف است. به عبارت دیگر تفاسیر گذشته تک روشی هستند، تفاسیر معاصر میل به جامعیت دارند. نمی توانیم بگوییم همه تفاسیر معاصر از همه روش ها استفاده کرده اند ولی تكثر نسبی روش در مجموعه تفاسیر معاصر بیشتر است.

چرا تفاسیر معاصر به این شکل در آمده اند؟ علت اینکه تفاسیر معاصر به این رویکرد جامعیت و استفاده از عقل و پاسخگویی به نیاز های کشیده شدند چند چیز است: گسترش سواد عمومی. در گذشته اینقدر مدرسه نبود. آشنایی با علم در دوره معاصر سبب می شود سوال بوجود بیاید برای انسان و یک انسان مومن دوست دارد این سوال ها را از دین و قرآن را به عنوان اصلی ترین منبعش بپرسد. علاوه بر این غلبه عقل گرایی را در اروپا و شمال آفریقا زیرا شمال آفریقا بعد از حمله ناپلئون به مصر با فرهنگ ها و مکتب های اروپایی آشنا شد.

مسئله دیگر این است که اساسا در فرهنگ امروز زندگی بر اساس دانسته ها پیش می رود نه بر اساس تقلید ها از رویکرد ها. علاوه بر اینکه زندگی رو به عقل گرایی گذاشته است فرد انسانی می تواند درباره گذشته های خودش بیاید قضاوت کند و حتی آنها را رد کند. یعنی انسان به ماهو انسان می گوید من نقطه صفر شروع زندگی را می توانم خودم قرار دهم. به عبارت دیگر شما همین الان از من می پرسید آیا تفسیر تاریخی در گذشته دارید؟ من می گویم نه تفسیر تاریخی در

گذشته نداریم به عبارت دیگر ما به وسیله اینترنت و قرن حاضر دسترسی داریم به اطلاعاتی که در گذشته نیازمند منبع بوده اند. همان نکته ای که عرض کردم مفسران گذشته خودشان را رو در روی با طلبه استدلال و دلیل نمی دیدند اما مفسران امروزی خودشان را نیازمند این می بینند .

در ادامه آن ۶ روش تفسیری در تفسیر عقلانی ما م توانیم تفسیر القرآن و العقل را نوشته سید نورالدین حسینی عراقی را نام ببریم . ایشان متوفی حدود ۱۰۰ سال پیش هستند . القرآن و العقل یک قضیه ای دارد خود محل نوشتنش که جالب تر از خود تفسیرش است . این تفسیر را ایشان در جنگ جهانی اول هنگامی که در ترکیه و عراق با انگلیسی ها می جنگید نوشته است . به همین جهت بحث هایی از تفسیر در بمباران ها از بین رفته است . چون کتاب و منبعی همراه خودش نداشته و لذا از عقل استفاده کرده برای تفسیر قرآن

برخی تفسیر القرآن ملاصدرای شیرازی آنرا هم تفسیر عقلی یا تفسیر تعلق می دانند . برخی آنرا تفسیر فلسفی می دانند اما همانطور که عرض کردیم تفسیر فلسفی نشان دهنده رویکرد و تخصص و گرایش مفسر است ، تفسیر عقلی نشان دهنده منبع مورد استفاده مفسر است . اما در مورد ایده تفسیر علمی . مشهور ترین تفسیر های علمی هنوز اولین است یعنی الجواهر فی التفسیر القرآن تنهایی مصری است . در واقع در فضای بعد از حمله ناپلئون زندگی می کند . متوفی ۱۸۶۲ میلادی است . بر اساس آن یک دوره تفسیر قرآن نوشته اند . آن تفسیر بعد ها به صورت دیگری توسط احمد حنفی مصری پیگیری شد . احمد حنفی مصری معاصر است به نام التفسیر العملى للآیات کلیه . بخشی از آیات هستی شناسانه قرآن را تفسیر می کند .

ما گفتیم در میان تفاسیر کهن می توانیم از تفاسیر شمسقدری نام ببریم که خودش ادیب بود به نام اتهشفا . (نمی دانم درست نوشتم یا خیر)

در دوره جدید هم تفاسیر ادبی مصری ها را داریم . تقریباً هم عرض با احمد حنفی است .

ما در مورد ایده تفسیر تاریخی با زمینه های تاریخی ما یک تفسیر محض تاریخی نداریم و در تفاسیر کهن ما نکات تاریخی داریم . اما تفسیر بر اساس اسباب نزول داریم . شخصی داریم به نام واحدی نیشابوری قرن ۴ . ایشان ۳ تفسیر نوشت . الودیع - الوسیع - البسیط علاوه بر این ها یک دوره اسباب نزول دارد که آقای زکاوتهی آنرا ترجمه کرد و آقای حجتی به شمل دیگری در کتاب اسباب نزول قرآن آنرا آورده اند .

آن دوستی که سوال پرسیده اند آیا تفسیر تاریخی هم داریم ، اگر از دیدگاه اسباب نزول بخواهیم بگوییم می توانیم تا یک حدودی تفسیر های واحدی نیشابوری را مربوط به آن تفسیر تاریخی بدانیم .

در مورد تفسیر شهودی هم تفاسیری را نام میبرم : تفسیر القرآن عظیم رستمی مربوط به قرن ۳- حقایق التفسیر سلمی در قرن ۴ - تفسیر خواجه عبدالله انصاری در کشف السرار میبیدی در قرن ۵ اما در مورد تفاسیر جامع که بدرد دنیا امروز می خورد ، در میان تفاسیر کهن تفسیر شیعی شیخ ابو جعفر طوسی متوفی ۴۶۰ که کتاب های فقهی هم دارند . ایشان دارد الفقیان الجامع العلوم القرآن یا الفقیان فی التفسیر القرآن دو نوع اسم دارد جز جوامع تفسیری ما است .
من در خدمت صحبت های دوستان هستم .

آقای (۱:۱۴:۵۸): فکر می کنم سوال آقای دکتر افخمی در مورد تفسیر قرآن براساس تاریخ . آن بحث اسباب نزول نبود بلکه شاید این بود که ما تاریخ اسلام را بر اساس قرآن کریم داریم که نوشته شده باشد گرچه عنوانش تفسیر نباشد ، ظبعا با این رویکرد کتاب های زیادی داریم که قرآن را تفسیر کرده باشد از جمله همین کتاب احسن القصص از ابن غرنا که همانطور که فرمودید از متاخرین است . یکی هم کتاب تاریخ اسلام از منظر قرآن از آقای یعقوب جعفری که جزو کتاب های معروف است و در میان کتاب های تاریخی مغازی واحدی است که در بیان مسائل تاریخی

استناد زیادی به آیات قرآن کریم دارد. این ها می تواند برای منظور تاریخ اسلام بر اساس قرآن کریم مورد استفاده باشد خیلی ممنون

دکتر مسعودی : من از این سوال اینطور متوجه نشدم که آیا تاریخ اسلام را از منظر قرآن بررسی کنم . آن یک سوال تاریخی است و باید از یک مورخ پرسیده شود . برای مثال مسئله نفاق را از دیدگاه تاریخ قرآنی بررسی کنیم داریم . به نظرم سوال ایشان این بود آیا ما تفسیری در دوره ی کهن خودمان داریم به جای اینکه بیشتر از روایات تفسیری یا مباحث ادبی استفاده کنیم بیشتر از تاریخ استفاده کرده باشد .ایشان اینجا نوشته اند که آیا ما تفسیری می توانیم پیدا کنیم که وقتی به آن مراجعه می کنیم یک نگاه تاریخی به آیه داشته باشیم .

آقای ؟ : وقتی می گوئیم قرآن کریم را بر اساس ظرف تاریخی و زمانیشان مخاطبانی که هستند مفهوم نیست یک مقداری .

آقای دکتر افخمی : منظور بنده این بود که ایات متعددی را دیدم که شان نزول دارند و شان نزول ها را که نگاه می کنید در واقع به نوعی به سیر تاریخی دارد اشاره می کند این به ذهن من آمد که طبیعتا توقع این است که حا به صورت ترتیبی یا هر قالبی ایات قرآن را کسی از این منظر تفسیر کرده باشد و توقع داشته باشد در دسته بندی ها یک گونه ای هم تفسیر تاریخی لحاظ شود ، این منظور من بود . من یک سوال دیگر هم دارم در خصوص فهم متاخر یعنی آن چیزی که به عنوان عرف از تفسیر است نکاتی را فرمودید اگر توضیح بیشتری بفرمایید ممنون می شوم .

دکتر مسعودی : ما در سنت تفسیری خودمان وقتی می خواهیم آیه را تفسیر کنیم ، مفردات آیات را بر اساس کتاب های لغت و بر اساس آنچه در آن زمان از اشعار و متون ادبی فهمیده شده را استخراج کنیم به عبارت دیگر می گوئیم آیه را باید همانگونه بفهمیم که مخاطب زمان پیامبر میدیده است اما در دوره معاصر یکی از رویکردهای سنتی تفسیری معاصر این است که ما نیازی نیست حتما محدود به معنای فهمیده شده واژه در هزارو چهارصد سال پیش بفهمیم ؛ اگر واژه ظرفیت

توسعه معنایی یا توسعه تطبیقی دارد ما می توانیم معنای خودمان را از واژه ۱۴۰۰ سال پیش برداشت کنیم این رویکرد تلقی به قبول از سوی همه مفسران نشده من فقط توضیح می دهم معنایش را . اگر ما معنای حجاب را در زمان صدور و نزول قرآن به معنای یک پوشش کامل میدیدم حق داریم حجاب را در دنیای امروز به شکل دیگری ببینیم . یا در مورد اجرای حدود در مورد طلاق . اگر طلاق را به مفهوم جدایی اصطلاحی بگیریم ممکن است به عنوان مثال بگویند ما جدایی عاطفی امروز را هم به معنای طلاق می دانیم . یعنی فهم امروزی از یک واژه بکار ببریم در فهم مفردات قرآن . برخی گرایش های سبک تر و لطیف تری دارند . این از حرف علامه طباطبائی استخراج می شود و اینکه الفاظ برای روح معانی وضع می شوند . امیدوارم سوال شما را پاسخ داده باشم

در مورد سوالی که نوشته شده است که تفسیر قرآن از چه زمانی شروع شده است ؟ سیوتی یک کتابی دارد به نام الدغام فی العلوم القرآن که کتلب مفصلی است که در آن صدها روایت می آورد که از پیامبر در مورد آیه ای سوال کرده اند و ما سنت تفسیری را از همان زمان پیامبر شروع را می گوئیم و از امام علی (ع) و حسنین (ع) سوال های تفسیری هم بوده است . مسئله تفسیر بیشتر مرتبط است با تفصیل بوده . تفسیر بیشتر دنبال تفصیل مسائل بوده یعنی اگر آیات قرآن نازل شده بود و می گفت که نماز بخوانید اینها از پیامبر می پرسیدند چگونه ، تفسیر بیشتر به دنبال تفصیل بوده است .

خیلی ممنونم از توجه شما دوستان خسته نباشید همگی

فروردین ۱۴۰۰